

گفتمان انقلابی‌گری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای

سید مهدی موسوی‌نیا*

ناصر جمال‌زاده**

چکیده

انقلابی‌گری از موضوعات بسیار مهم و قابل بررسی در حیطه اندیشه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است و ضرورت دارد از دریچه ارزش‌های بومی و اسلامی درباره آن سخن گفته شود، به همین سبب در مقاله حاضر به بررسی این موضوع در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه‌ای پرداخته و به این سؤال پاسخ داده شده است که: اجزای گفتمان انقلابی‌گری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای چیست؟ با توجه به اینکه در بیانات معظم له، طیفی از مطالب - از تعریف این مفهوم گرفته تا اثرات آن در تاریخ جمهوری اسلامی دیده می‌شود، مناسب‌ترین چارچوب روشی برای تحلیل داده‌های این تحقیق، دیدگاه تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف تشخیص داده شد. بنابراین موضوع انقلابی‌گری، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین دنبال گردید؛ در سطح توصیف، ارزش‌مداری، آزمون‌گرایی، آزادی‌خواهی، حساسیت در برابر دشمن و تقوای دینی - سیاسی به عنوان دال‌های گفتمانی بیان گردید و دال مفهومی ارزش‌مداری به عنوان دال مرکزی معرفی شد. در سطح تفسیر انقلابی‌گری نیز به عوامل مؤثر در تکوین و تطور گفتمان انقلابی‌گری پرداخته شد و مواردی همچون انقلاب صدر اسلام، نقش مبلغان، واژه‌سازی و نهادسازی احصا گردید. در نهایت، در تبیین گفتمان انقلابی‌گری، به غیریت‌سازی گفتمان انقلابی‌گری، کارکردهای اجتماعی محقق شده این گفتمان و نحوه بهبود آن پرداخته شد.

واژگان کلیدی

تحلیل گفتمان، فرکلاف، انقلابی‌گری، آیت الله خامنه‌ای.

*. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران(نویسنده مسئول)

mousavinia.smahdi@gmail.com

jamalzadeh@yahoo.com

**دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷

طرح مسئله

اندیشه‌ورزی در حوزه علوم سیاسی، یکی از علایق بشر از قرون گذشته بوده است و هم اکنون نیز علاقمندان خاص خود را دارد. علی‌رغم برخی تصورات غلط مبنی بر اینکه عصر حاضر، مجال مناسب‌تری برای بحث‌های عینی و ملموس و نه اندیشه‌ای است، باید گفت بسیاری از اتفاقاتی که پیرامون خود اعم از تعاملات، نزاع‌ها و مسائل دیگر، ناشی از مبانی اندیشه‌ای است و ضرورت دارد این شاخه از علوم سیاسی، با قوت بیشتر، به گره‌گاه‌های حیات بشر کنونی بپردازد. در این میان، با توجه به اینکه هر جامعه‌ای، مجموعه مسائل و مبانی اعتقادی و ارزشی خاص خود را دارد، می‌بایست در باب مسائل جامعه امروزی ایران، از دریچه ارزش‌های بومی و اسلامی سخن گفت. یکی از زوایای دید در حوزه اندیشه سیاسی در جامعه حاضر، می‌تواند دیدگاه عالمان دین و رهبران جمهوری اسلامی ایران باشد که از میان شخصیت‌های متعدد، در این مقاله، آیت الله خامنه‌ای، رهبر کنونی نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده است. نگاه جامع ایشان به موضوعات و داشتن اطلاعات دقیق و بروز از مسائل، می‌تواند تحلیل مناسبی در حوزه اندیشه سیاسی به بار آورد.

از میان موضوعات مختلفی که در جمهوری اسلامی ایران، نیاز جدی به پرداختن دارد، بحث از احساس تعلق به آرمان‌های انقلاب اسلامی است که در ادبیات آیت الله خامنه‌ای، با تعبیر انقلابی‌گری مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند در عصر حاضر، انقلابی‌گری با ایجاد دوگانه‌ای از سوی بیگانگان، به تندروی و افراطی‌گری معنا می‌شود، اما در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای معنایی مثبت دارد. به همین سبب این مفهوم باید به فرد، گروه، سازمان و حتی به دولت‌ها تسری یابد، (۱۳۹۵/۳/۱۴) حفظ این روحیه یکی از واجبات انقلاب اسلامی است که ایشان اعتقاد دارند در نهادهای مختلف جامعه، به خصوص در حوزه‌های علمیه باید به آن توجه گردد. ایشان در این رابطه به خطر انقلاب‌زدایی در حوزه‌ها اشاره می‌نمایند. (۱۳۹۴/۱۲/۲۵)

اما شرط اولیه این اتفاق، درک عمیق و دقیق از مفهوم انقلابی‌گری و جایگاه آن در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای است. بنابراین لازم است در تحقیق حاضر به این سؤال پاسخ داده شود که: اجزای گفتمانی انقلابی‌گری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای چیست؟ به این منظور، مجموعه بیانات و پیام‌های ایشان در باب انقلابی‌گری استخراج گردیده و مورد بررسی قرار خواهد گرفت. البته در میان سخنان متعدد در این رابطه، یکی از سخنرانی‌های ایشان که به طور خاص، در حوزه انقلابی‌گری و جوانب مختلف این موضوع ایراد گردیده، بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۴ است که نیازمند تعمق دقیق‌تری است. آیت الله خامنه‌ای در این سخنرانی،

انقلابی‌گری را یکی از اوصاف کمتر به کاررفته حضرت امام خمینی(ره) دانستند و خاطر نشان ساختند آنچه دشمنان جمهوری اسلامی و ملت ایران را به ترس و واهمه می‌اندازد، صفت انقلابی‌گری امام راحل است. (۱۳۹۵/۳/۱۴)

الف) چارچوب تحلیلی

مطالعات مربوط به حوزه اندیشه سیاسی، به سبب ویژگی‌های متمایزی که دارد، روش‌های خاص خود را نیز می‌طلبد. می‌توان گفت مناسب‌ترین روش‌ها برای تحلیل در حوزه اندیشه سیاسی، تحلیل‌های کیفی است که امروزه، کاربرد فراوانی در شاخه مذکور دارد. یکی از انواع پرکاربرد تحلیل‌های کیفی در تحلیل اندیشه‌های سیاسی جدید، نظریه تحلیل گفتمان است که از دهه ۱۹۷۰ با رویکردی انتقادی، به حوزه موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی راه یافته است. (حقیقت، ۱۳۹۱:۵۴۱)

می‌توان به طور خاص، دیدگاه تحلیل گفتمان را متأثر از چهره‌هایی نظیر فوکو، هابرماس، گرامشی و آلتوسر دانست. در میان اندیشمندان متعددی که در حوزه تحلیل گفتمان به ایده‌پردازی مبادرت ورزیده‌اند، اسامی افرادی همچون ون دایک، روث وداک، کانتر کرس و ون لیوون، لاکلا و موف، فرکلاف و دیگرانی به چشم می‌خورد (محسنی، ۱۳۹۱، صص ۶۴ — ۶۵) که هر یک، از منظری به حوزه تحلیل گفتمان نگریسته‌اند. در این شرایط، ارائه معنایی دقیق و مورد توافق از گفتمان، امری دشوار و ناممکن خواهد بود. با این حال، برای تقریب ذهن به معنای کلی گفتمان، باید گفت که «منظور از گفتمان، همان نظام‌های معنایی و راه‌های باز نمونی خودمان و جهانمان به دیگران است که طی آن نه تنها آنچه را که می‌اندیشیم و انجام می‌دهیم و آرزوها و اشتیاق‌هایمان را بیان می‌کنیم بلکه «موضوع‌های شناسایی» خویشان را می‌سازیم و آن را در جریان گفتگوها و استدلال‌هایمان باز تولید می‌کنیم. فراگرد تولید یک گفتمان، شامل قالب ریزی داده‌ها در مدل‌هایی و مربوط کردن آن با شرایط و داده‌های جدید است.» (معینی علمداری، ۱۳۸۰، ۷۹)

تحلیل گفتمان را برخی به عنوان یک نظریه پذیرفته‌اند و برخی دیگر، از آن به عنوان یک روش بهره می‌برند. اگر تحلیل گفتمان را به عنوان یک نظریه بدانیم، این نظریه ذیل دیدگاه‌های فلسفی سازه‌گرایی اجتماعی خواهد گنجید. در این دیدگاه، واقعیت اجتماعی بر خلاف واقعیت‌های فیزیکی که ملموس و عینی هستند، از ذهن آدمی سرچشمه گرفته و ساخته می‌شود. (محسنی، ۱۳۹۱، ۷۱) در نظریه تحلیل گفتمان، از جهاتی به مارکسیسم و از جهاتی دیگر به ساختارگرایی، انتقاداتی وارد می‌شود. آن‌ها، زیربنا بودن اقتصاد در نگاه مارکسیستی را زیرسؤال برده و عنصر سیاسی را در آگاهی طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری دخیل می‌دانند و در این راستا، از مفهوم هژمونی که توسط آنتونیو

گرامشی مطرح گردیده بود، بهره برده‌اند. گرامشی معتقد است که سازماندهی رضایت آفرینی وجود دارد که طی آن، آگاهی‌های فرمانبرداری بدون توسل به خشونت یا اجبار ساخته می‌شود. او، سازماندهی را ناشی از عنصری به نام هژمونی می‌داند. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ۶۵) از سوی دیگر، نقد جدی آنان به ساختارگرایان است. بر خلاف ساختارگرایان که معتقدند نشانه‌ها مانند گره‌های تور ماهیگیری، در نسبت و تفاوت با یکدیگر، به تثبیت معنایی می‌رسند، نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان اعتقاد دارند نمی‌توان معنا را بدون ابهام و برای همیشه به تثبیت رساند. بلکه شبکه‌های معنایی، دائماً در حال به چالش کشیده شدن هستند و پیوسته، خلق معانی جدید صورت می‌پذیرد. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹) آنان معتقدند فهم زبانی و دریافت نظام معنایی، ذیل امر اجتماعی است و مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، این فهم را برمی‌سازند. البته این نظریه، نافی وجود واقعیت نیست، بلکه معنادار شدن اشیاء و پدیده‌ها را از طریق گفتمان می‌داند. به عنوان مثال، جاری شدن سیل، حادثه‌ای است که مستقل از تفکر مردم روی می‌دهد، اما این ذهنیت مردم است که به آن معنا می‌دهد که این سیل، خشم خدا است یا سوء مدیریت دولتی یا خرابی سیل‌بند یا هر چیز دیگری. (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ۳۴۰) از نظر آنان، در تحلیل گفتمان باید نشان داد که در کشمکش‌های اجتماعی، پدیده‌ها چگونه به تثبیت معنایی هرچند موقت می‌رسند. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، صص ۷۰ - ۷۱) آن‌ها در روند تثبیت معنا، نقش ایدئولوژی را در توجیه، تولید و بازتولید سلطه و قدرت، پررنگ می‌دانند و معتقدند ایدئولوژی در کنار زبان، ابزار حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. تعبیر معروف فرکلاف که «زبان حامل ایدئولوژی است» گویای همین مطلب است که زبان، ایدئولوژی خاصی را به دنبال دارد (محسنی، ۱۳۹۱، صص ۶۷ - ۶۸) و به این صورت، گفتمان با نظام معنایی خاص خود به تثبیت می‌رسد، یا به تعبیر گرامشی، هژمون می‌گردد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایرادات متعددی به دیدگاه فلسفی تحلیل گفتمان وارد است. این دیدگاه، محقق را به دامان نسبیت‌انگاری می‌کشاند و حقیقت و واقعیت را امری موقت، متغیر و وابسته به امور و زمینه‌های اجتماعی می‌داند. علاوه بر این، دید این دیدگاه فلسفی، تناقضات درونی نیز وجود دارد؛ آن‌ها از یک سو مطرح می‌کنند هیچ چیز بنیادینی در خارج از فضای گفتمانی، نمی‌تواند به پدیده‌ها معنا ببخشد، اما از سوی دیگر معتقدند گفتمان معتبر، گفتمانی است که اصول آن، هیچ‌گونه ناسازگاری با اصول جامعه نداشته باشد. معنایی که در قابلیت اعتبار گفتمان نهفته، گویای این امر است که خارج از گفتمان، معنا و حقیقتی به نام اصول جامعه وجود دارد که این مفهوم، ادعای اولیه آنان را نقض می‌کند. (خواجه سروری و رحمنی، ۱۳۹۲، ۱۳۰) علاوه بر این، نمی‌توان تولید یک گفتمان را امری صرفاً درونی دانست، چرا که گاهی ساختارهای بیرونی نظیر قومیت، طبقه و جنسیت می‌توانند بر گفتمان مؤثر باشند.

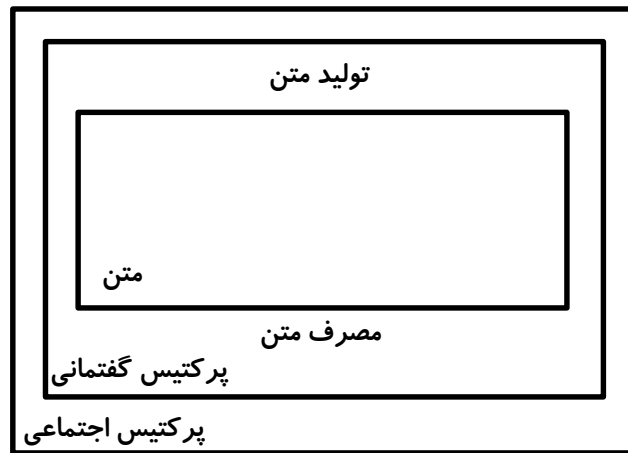
با این ایرادات، اگر تحلیل گفتمان را صرفاً روشی برای تحلیل داده‌ها در نظر بگیریم، باید گفت که این روش به مجموعه فنونی اطلاق می‌شود که در آشکار ساختن الگوی فهم، باور، ارزش و ساختار ایمان، راهگشاست. اساساً روش به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری اطلاق می‌شود که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش کاربرد دارد. (حقیقت، ۱۳۹۱، ۶۲۴)

در میان چارچوب‌های تحلیلی مختلف در حوزه تحلیل گفتمان، دیدگاه نورمن فرکلاف، یکی از پرکاربردترین‌هاست. فرکلاف سه سطح درک و فهم از گفتمان و متن را بیان می‌دارد که مبتنی بر آن سه روش تحلیل به وجود می‌آید. سه سطح درک و نگرش به گفتمان عبارتند از: ۱. متن، گفتار یا نوشتار ۲. کارکرد گفتمان که همان تولید متن و تفسیر است ۳. کارکرد فرهنگی اجتماعی.

بر اساس سطوح فوق در نظریه گفتمان فرکلاف، سه سطح تحلیل شکل می‌گیرد که عبارت است از: ۱. سطح توصیف ۲. سطح تفسیر ۳. سطح تبیین. (Fairclough, 1995, p.97)

سطح توصیف، به نوعی سطحی داخلی از گفتمان است که در آن، به دل‌ها و مفصل‌بندی درونی گفتمان پرداخته می‌شود و صرفاً روابط و هویت‌های درون گفتمان بررسی می‌شود. در سطح تفسیر نسبتی که گفتمان با گفتارها و گفتمان‌های دیگر دارد، بررسی می‌گردد و در سطح سوم نیز تأثیرگذاری گفتمان در تحولات اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۴۵ — ۵۴۱)

اینکه بر اساس مدل فرکلاف، می‌توان گفتمان را هم در رابطه با فرآیندهای اجتماعی — فرهنگی و هم به صورت درونی مورد بررسی قرار داد، یکی از مزایای قابل توجه این روش است. ساختار تحلیلی فرکلاف را می‌توان به شکل زیر نمایش داد:



۱. تحلیل متن، سطح توصیف

در سطح تحلیل متن، محتوای درونی گفتمان بدون در نظر گرفتن روابط اجتماعی و عملیاتی شدن گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرد. یک گفتمان، متشکل از مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا به تعبیری، دال‌هایی است که گفتمان در شبکه معنایی خود، به آن جایگاه می‌بخشد. (حقیقت، ۱۳۹۱، ۶۰۳) این دال‌ها و نشانه‌ها، لزوماً زبانی نیست و می‌تواند غیرزبانی و از جنس رفتار باشد. (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ۳۴۳) دال‌ها و نشانه‌های جذب شده یک گفتمان، گونه‌ای از مفصل‌بندی و ترکیب را تشکیل می‌دهند که شبکه معنایی جدیدی می‌سازد. ممکن است همین دال‌ها در نظام معنای دیگری و با مفصل‌بندی جدید، شبکه معنایی متفاوتی را ایجاد نمایند. (بهروزلک، ۱۳۸۵، ۴۱) در میان دال‌های مختلفی که جذب یک گفتمان می‌گردند، مفهوم دال مرکزی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این مفهوم که به عنوان هسته مرکزی منظومه گفتمانی محسوب می‌شود، نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها و مفاهیم حول آن نظم می‌گیرند. (حقیقت، ۱۳۹۱، ۶۰۵)

۲. تحلیل فرآیند، سطح تفسیر

گفتمان همواره سعی دارد دال‌های متعدد خود را با انسجامی خاص، صورت‌بندی نموده و معنای مورد نظر خود را تثبیت نماید. در سطح تفسیر یک گفتمان، نحوه و فرآیند تبدیل یک متن به گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع، در این سطح تلاش بر این است که نشان داده شود چه عمل استدلالی و چه قراردادهایی در تبدیل یک متن به گفتمان مؤثر بوده است و چگونه دال‌های یک متن مفصل‌بندی شده‌اند. (Fairclough, 1995, p.97) اینکه در تبدیل یک متن به گفتمان و غلبه آن در اجتماع، چه عواملی تأثیرگذار است، نظرات متعددی وجود دارد. به عنوان مثال، گاهی دال‌های یک گفتمان بر اساس معانی ضد خود تعریف می‌شود. در این رابطه، سوسور معتقد است که معانی در هر زبان نه بر اساس چیزی مثبت بلکه بر اساس نفی خود شکل می‌گیرد. (Saussure, 1986, p.120) بنابراین در فرآیند تبدیل متن به گفتمان، مفصل‌بندی نقش مهمی ایفا می‌نماید، زیرا مفصل‌بندی در گفتمان عملی است که باعث می‌شود دال‌های یک گفتمان به گونه‌ای کنار یکدیگر قرار گیرند که هویت واحدی یابند، به عبارت دیگر مفصل‌بندی رابطه بین عناصر را به گونه‌ای شکل می‌دهد که هویتشان اصلاح شده و به صورت یک هویت واحد در نتیجه عمل مفصل‌بندی شکل گیرند. (جمالزاده و کاظمی، ۱۳۹۴)

۳. تحلیل اجتماعی، سطح تبیین

سطح تحلیل اجتماعی سطحی است که گفتمان به صورت کامل و با توجه به تاثیراتی که می‌پذیرد و

تأثیراتی که بر جامعه می‌گذارد نگاه می‌شود. فرکلاف اساساً گفتمان را به مثابه کردار اجتماعی در نظر می‌گیرد. (محسنی، ۶۵: ۱۳۹۱) در این سطح معانی دال‌های گفتمان با نسبتی که با تحولات اجتماعی و گفتمان‌های دیگر دارد، به دست می‌آید. به تعبیری دیگر، ساخت اجتماعی دانش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر این اساس می‌توان گفت غیریت‌سازی در گفتمان‌ها نقش مهمی دارد. از این‌رو تغییر در دگرهای (ضدهای) گفتمان اثر مهمی در تغییر در معانی و دال‌های گفتمان می‌گذارد. به عنوان مثال، وقتی فرکلاف سخن از نقش زبان و ایدئولوژی در توجیه، تولید و بازتولید سلطه و قدرت می‌کند، در واقع دارد نشان می‌دهد که چگونه، عناصری خارج از گفتمان و درون ساخت اجتماعی، بر غلبه و تثبیت معنایی گفتمان اثر می‌گذارند.

ب) توصیف انقلابی‌گری

در بیان اجزای اصلی گفتمان انقلابی‌گری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، می‌بایست به دال‌های اصلی این گفتمان توجه نمود و با لحاظ آن، دال مرکزی و هسته اصلی گفتمان مذکور را تشخیص داد. البته باید توجه داشت که انقلابی‌گری در افراد و در مقام اثبات، به تعبیر ایشان، مقول به تشکیک است؛ یعنی درجه‌بندی و رتبه‌بندی دارد. (۱۳۶۹/۵/۲۳)، آنچه در این پژوهش مطرح می‌شود، آرمان انقلابی‌گری و مفاهیم دخیل در آن، در مقام ثبوت است. پنج شاخص انقلابی‌گری که در بیانات ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۵ ایشان تصریح گردید، در واقع همان نشانه‌ها و دال‌های گفتمانی ایشان در حوزه انقلابی‌گری است:

۱. ارزش‌مداری

آیت الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی را مبتنی بر شجره‌ای مبارک و طیبه، طبق آیه شریفه «اصل‌ها ثابت و فرع‌ها فی السماء توّتی اکلها کل حین باذن ربّها» (سوره ابراهیم، آیه ۲۴) می‌داند. (۱۳۷۷/۹/۲۵) حفظ این بنای مستحکم از دیدگاه ایشان، نیازمند پابندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب است و همین مسئله، به عنوان یکی از ویژگی‌های انقلابی‌گری در شخصیتی چون امام خمینی (ره) محسوب می‌شود. اینکه این ارزش‌ها چیستند، در بیانات متعددی از جمله در ادامه همین سخنرانی آمده است. ایشان مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب را اسلام ناب (اسلام سیاسی) در مقابل اسلام آمریکایی (اسلام متحجرین، اسلام سکولارها)، محور بودن مردم، اعتقاد به تحول و تکامل و حمایت از محرومان و مظلومان، می‌داند. (۱۳۹۵/۳/۱۴) این پابندی همان چیزی است که خداوند متعال، رسول خود را به

آن سفارش می‌نماید که «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ»؛ اما این دستور تنها مربوط به رسول خدا(ص) نمی‌شود، بلکه تمام کسانی نیز که از شرک به سوی ایمان باز گشته‌اند، باید آن را اجابت نمایند. (مکارم شیرازی، ۹، ۲۵۷) بنابراین هر کسی که خود را متعهد به انقلاب اسلام می‌داند باید به ارزش‌ها پایبند باشد.

۲. آرمان‌گرایی

آیت الله خامنه‌ای، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب را یکی از نشانه‌های اصلی انقلابی‌گری می‌دانند. ایشان، آرمان‌گرایی را چنین معرفی می‌نمایند:

آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آن‌ها را درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشم‌تان به آرمان‌ها باشد.
(۱۳۹۴/۴/۲۰)

ایشان، همّت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها را حفظ روحیه انقلابی‌گری دانسته و معتقدند نقطه مقابل آن، تنبلی، محافظه‌کاری و ناامیدی است. (۱۳۹۵/۳/۱۴)

۳. آزادی‌خواهی

انقلاب اسلامی ایران با شعار آزادی‌خواهی به پیروزی رسیده است و تئوری‌پردازان انقلاب اسلامی، همواره به عنصر آزادی در جوانب مختلف فردی و اجتماعی پایبند بوده‌اند؛ شهید مطهری در کتاب آزادی معنوی، لازمه رشد و تکامل موجودات زنده را در سه عنصر تربیت، امنیت و آزادی می‌داند. (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۲) در واقع، آزادی یکی از لوازم حیات بشر است. آنچه در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، نیازمند توجه و تأمل دقیق می‌باشد، این نکته است که ایشان این آزادی را علاوه بر سطح فردی، در مقیاس ملت نیز معنا نموده و آن را استقلال می‌نامد. (۱۳۹۴/۳/۱۴)

از دیدگاه ایشان، پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور از ویژگی‌های اساسی انقلابی‌گری است. اعتقاد به استقلال، سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی می‌تواند داشته باشد و در موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی قابل بررسی است. (۱۳۹۵/۳/۱۴)

در بیانات آیت الله خامنه‌ای، موضوع استقلال طلبی و استغناء ملت ایران از تکیه بر دیگران، گاهی با عناوینی نظیر عزت ملی و اسلامی نیز آمده است.

۴. حساسیت در برابر دشمن

آنچه به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی انقلاب اسلامی، مورد نظر آیت الله خامنه‌ای است، به چالش کشیدن «نظام ظالمانه و غیر عادلانه و مبتنی بر ظلم و زور و تزویر» یا همان نفی ظلم و استکبار و استبداد در جهان بوده است. (۱۳۹۴/۱۲/۲۵؛ ۱۳۹۴/۶/۱۲) در شرایطی که برخی دولت‌ها، به دنبال سوء استفاده از ایران بوده‌اند، انقلاب اسلامی با بیرون راندن آن‌ها، منافعشان را به خطر انداخت و همین مسئله، سبب دشمنی‌ها گردید.

در چنین وضعیتی، ایستادگی، مقاومت و عدم تبعیت از دشمن و به معنای وسیع‌تر، حساسیت در برابر دشمن، یکی از نشانه‌های اصلی انقلابی‌گری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای است که با لفظ جهاد کبیر در بیانات ایشان مورد استفاده قرار گرفته است. ایشان معتقد است جهاد و مقابله با دشمن، فقط به معنای قتال و جنگ نظامی نیست، بلکه با توجه به آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (سوره فرقان، آیه ۵۲)، می‌بایست از تبعیت دشمنان اجتناب نمود. (۱۳۹۵/۳/۳)

اما مفهوم جهاد کبیر، نقطه مقابلی نیز دارد. این نقطه مقابل، همان انکار اصل دشمن در رابطه با دیگران است. در واقع، کسی که دشمنی دشمن را نفهمد و همه را دوست خود تصور نماید، از روحیه انقلابی‌گری فاصله گرفته است. ایشان در این زمینه چنین بیان داشته‌اند:

«در همین چند سال اخیر جریان‌های اسلامی، به خاطر مصلحت‌اندیشی، به خاطر عقل سیاسی - اسمش را می‌گذارند عقل — به خاطر تاکتیک که می‌گفتند این حرکت تاکتیکی است، با آمریکایی‌ها رفیق شدند، به آن‌ها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی‌اش را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمل می‌کنند.» (۱۳۹۵/۳/۱۴)

۵. تقوای دینی و سیاسی

یک فرد انقلابی، نمی‌تواند نسبت به تکالیف دینی و شرعی به طور مطلق و به طور خاص، در حیطة سیاسی و اجتماعی، بی‌توجه باشد. به تعبیر شهید مطهری، انسان نیازمند حالتی درونی است که برای روح او حالت حصن و حصار و حرز و اسلحه دفاعی و مرکب رام و مطیع را دارد و در مجموع، قوتی معنوی و روحی برای فرد محسوب می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۶، ۲۹) این ویژگی اساسی در نگاه عالمان دین، به تقوا اطلاق می‌گردد.

آیت الله خامنه‌ای، تقوای اجتماعی و اسلامی را مطالبه دین از افراد دانسته و معتقد است فرد در حوزه اجتماعی نیز باید تقوا داشته باشد. در واقع باید همانطور که روح خود را در برابر وسوسه‌های

درونی و بیرونی حفظ می‌نماید، در حوزه اجتماعی نیز تقوای الهی داشته باشد. ایشان، در بیان تقوای سیاسی، آن را پرهیز از لغزشگاه‌هایی می‌داند که دشمن می‌تواند از آن استفاده نماید. (۱۳۹۵/۳/۱۴)

از میان توصیفاتی که آیت الله خامنه‌ای از انقلابی‌گری داشتند، به نظر می‌رسد عنصر ارزش‌مداری، عنصر عامی باشد و می‌توان دیگر دال‌ها را زیرمجموعه‌ای از آن دانست. بنابراین، دال مرکزی ارزش‌مداری، به شکل زیر با دال‌های گفتمانی انقلابی‌گری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای در رابطه است:



نمودار شماره (۲). دال‌های گفتمان انقلابی‌گری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای

ج) تحلیل فرآیند؛ تفسیر انقلابی‌گری

تفکر انقلابی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، تفکری عمیق است که مردم، نیازمند دستیابی به عمق آن هستند. (۱۳۶۹/۱/۴) این تفکر، منظومه‌ای فکری را در دنیای امروز عرضه کرده است و همچنان در حال پیشرفت است. (۱۳۹۴/۶/۱۲) در توصیف انقلابی‌گری به عنوان بخشی از این منظومه فکری ارزشمند، اجزای اصلی این بحث شناخته شد، اما هنوز گفتمان انقلابی‌گری نیازمند بررسی است؛ می‌بایست عوامل مؤثری که در این صورت‌بندی دخیل بوده، هستند و می‌توانند باشند، مورد تدقیق قرار گیرد. در ادامه به عواملی که در بیانات ایشان اشاره شده، پرداخته می‌شود:

۱. انقلاب اسلامی و انقلاب صدر اسلام

آیت الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی یا همان انقلاب اسلام را تلاشی از دوره رسول خدا(ص) می‌داند که از

ایشان آغاز گردید و در دوره تمامی ائمه(ع) ادامه داشت. در این سال‌ها، نخست پیامبر(ص) با نیرو گرفتن از عناصر مؤمن، نهضت را در مکه سازماندهی کرد و بعد از سیزده سال و در مدینه، نظام سیاسی و امت اسلامی تشکیل داد. بعد از پیامبر(ص) نیز، چه در دوره حکومت معصومین(ع) و چه در دوره غصب خلافت، این حرکت ادامه یافت. آیت الله خامنه‌ای معتقد است که این بزرگواران، از روز صلح امام مجتبی(ع) تا اواخر، دائماً درصدد بوده‌اند که این نهضت را مجدداً به شکل حکومت علوی و اسلامی در بیاورند و سر پا کنند. (۱۳۶۹/۱/۲۲)

با گذشت قرن‌ها از این تلاش‌ها و در قرن پانزدهم هجری، بار دیگر فرصتی به دست آمد تا انقلاب اسلام به نتیجه برسد. در بیانات آیت الله خامنه‌ای تذکر به این موضوع وجود دارد که آنچه امروز به عنوان انقلاب اسلامی و انقلابی‌گری شناخته می‌شود، مدیون تلاش شیعه در طول قرون گذشته است و باید توجه داشت که این زحمات، در تکوین مفهوم انقلاب و انقلابی‌گری تأثیرگذار بوده است. به همین سبب است که ایشان، این مفهوم را مقید و منحصر به زمان و مکان خاصی نمی‌دانند: «همه کسانی که در طول تاریخ با این ممیزات حضور دارند و تلاش می‌کنند انقلابی‌اند، ولو امام را ندیدند؛ مثل اغلب شما جوان‌ها.» (۱۳۹۵/۳/۱۴)

ایشان، نقش باورهای عاشورایی و اسلامی در پیشبرد تفکر انقلابی را چنین می‌دانند: کل جامعه ما به عنوان یک مجموعه بانفکر و عقیده شیعی، زیر چتر امام حسین(ع) است ... در طول قرن‌ها و در این چند قرن اخیر، در مجموع کشور ما، این بینش و این تذکر راجع به دین، به نام و مناسبت حسین بن علی(ع) وجود داشته است و در سطحی مردم را متذکر به دین نگه داشته است. این کانال‌کشی وسیع، در انقلاب به کار آمد. از این کانال‌کشی منظم در سطح کشور، تفکر انقلابی ما — که مستند به حادثه عاشورا هم بود — در همه جا گسترش پیدا کرد و مردم را وارد میدان نمود. (۱۳۷۰/۴/۲۰)

۲. نقش اثرگذار مبلغان تفکر انقلابی:

بی‌شک و تردید، یک انقلاب برای تثبیت گفتمان خود و پیروزی فکری و میدانی بر گفتمان غالب، علاوه بر نیروهای میدانی و اثرگذار، به بازوانی فکری نیاز دارد تا بتواند عمق لازمی در افکار و ذهن‌ها به دست آورد. در انقلاب اسلامی، شخصیت‌هایی نظیر شهید مطهری در کنار رهبری انقلاب، این نیاز را برآورده ساخته‌اند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در تجلیل از شخصیتی همچون شهید مطهری، بررسی اندیشه‌ها و آراء ایشان و تأثیر آن در شکل‌گیری مبانی فکری انقلاب اسلامی و تجلیل از شخصیت کم‌نظیر ایشان را هم مورد نیاز جوامع اسلامی و هم ادای بخشی از وظیفه حق شناسی

نسبت به اندیشمندان و فرزانشان انقلاب اسلامی می‌داند. ایشان، شهید مطهری را سنگری امن برای جوانان طالب و علاقمند فکر اسلامی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها می‌داند که به جوانان کمک نمود تا بتوانند زیر سایه تفکری عمیق و مستحکم، دین خود را حفظ کنند و دست آوردهای نوین فکری داشته باشند و از آن دفاع نمایند. (۱۳۸۳/۲/۶)

۳. لزوم واژه‌سازی و نهادسازی در تفکر انقلابی

آیت الله خامنه‌ای، یکی از عناصر لازم برای حرکت عمومی نهضت را واژه‌سازی و نهادسازی، بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای نهضت می‌داند. ایشان معتقد است:

«وقتی یک فکر جدید — مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی — مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می‌کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند.» (۱۳۹۰/۷/۲۲)

وقتی یک تفکر از سطح ذهنی خارج گردید و با واژه‌سازی و نهادسازی، حالتی ملموس و ظاهری به خود گرفت، بقای بیشتر و اثرگذاری روزافزونی خواهد داشت.

۴. ریشه اعتقادی تفکر انقلابی

یکی از آفاتی که از روز اول، ممکن بود گریبان‌گیر انقلاب اسلامی ایران گردد، عمل‌گرایی افراطی بوده است. «عمل‌گرایی افراطی یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن.» (۱۳۹۵/۳/۱۴) آنچه سبب شده است گفتمان انقلابی‌گری از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، تاکنون به این نقیصه دچار نشود، ریشه اعتقادی داشتن آن است. این ریشه اعتقادی از نگاه ایشان سبب خواهد شد تا فرد، در اوضاع و شرایط مختلف، دچار تغییر کامل رویه فکری نشود. ایشان در انتقاد از گروه‌هایی که در طول این سال‌ها، دچار چرخش فکری شده‌اند چنین اعتقادی دارد:

«من یکوقت به یکی از این آقایان گفتم که شماها اوایل انقلاب در زمینه مسائل اقتصادی چپ‌چپ بودید و ما از تندروی‌های چپ‌گرایی شما را منع می‌کردیم؛ اما الان شما رفته‌اید منتها الیه جهت مقابل، و شده‌اید راست‌راست! ما همان‌جایی که قبلاً بودیم، ایستاده‌ایم و باز شما را از تندروی‌های راست‌گرایانه منع می‌کنیم! این به خاطر نداشتن عمق است؛ به این دلیل است که ریشه اعتقادی و فکری وجود ندارد. کسی که ریشه اعتقادی دارد، براساس اعتقادش حرکت می‌کند و در میدان‌های گوناگون می‌ایستد.» (۱۳۸۴/۳/۵)

د) تحلیل اجتماعی؛ تبیین انقلابی‌گری

یکی از سطوح تحلیل در روش تحلیل گفتمان، تبیین کارکرد اجتماعی گفتمان است. به طور خاص، در این قسمت کارکرد گفتمان انقلابی‌گری از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای بررسی خواهد شد و غیرسازی این گفتمان و تنازعی که با دیدگاه‌های رقیب دارد، تبیین خواهد شد. بنابراین تحلیل اجتماعی گفتمان مذکور، شامل دو بخش خواهد بود: بخش نخست، غیریت‌سازی گفتمان انقلابی‌گری و بخش دوم، کارکرد گفتمان انقلابی. لازم به ذکر است دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در این بخش، گاه به صورت شرح مواقع است و گاه، جنبه تجویزی دارد که در این مقاله، به دو حالت نیز توجه شده است و به صورت جداگانه خواهد آمد.

۱. غیریت‌سازی گفتمان انقلابی‌گری

آیت الله خامنه‌ای، در تقابل تفکر انقلابی و مهدوی در جمهوری اسلامی ایران، تفکری غیرانقلابی را مطرح می‌سازد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مرزهای جدی و مستحکم‌تری ساخته است و اساس آن، بر پذیرش ظلم ظالم و غفلت از ارزش‌داری است. این دیدگاه متخاصم، «با فکر انقلاب و آرمان‌گرایی مبارزه می‌کنند و می‌خواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند.» (۱۳۸۱/۷/۳۰) این دیدگاه غیرانقلابی متعلق به همان جریانی است که به جای ظلم و استکبارستیزی، به سازش با آن روی می‌آورد. طبیعتاً چنین دیدگاهی، هم در درون کشور و هم در خارج از کشور، نسبت به مواضع انقلاب اسلامی، با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم جبهه استکبار تبلیغ می‌گردد. ایشان با بیان سازشکاری با استکبار در فلسطین به عنوان مصداقی از سازش — کاری و غفلت از تفکر انقلابی در جهان اسلام، وعده‌های جبهه استکبار را سرایی بیش نمی‌داند. (۱۳۸۰/۲/۴) ایشان معتقد است به منظور رسیدن به حذف انقلابی‌گری، چندین ابزار از سوی جبهه متخاصم مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد:

الف) سانسور شدید تفکر انقلابی: این دیدگاه، با سانسور شدید افکار انقلابی، سعی دارد ملت‌های مختلف را از شنیدن این سخنان محروم سازد. آیت الله خامنه‌ای عدم اجازه انتشار افکار انقلاب اسلامی در غرب را ناشی از ترس گفتمان رقیب می‌داند. (۱۳۷۳/۴/۲۹) گفتمان غیرانقلابی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، مشابه جاهلیت صدر اسلام عمل می‌کند:

«سانسوری که در کشورهای غرب هست، تقریباً از جهاتی شبیه هست به همان سانسور و کنترلی که در دوران ظهور اسلام در مکه نسبت به افکار انقلابی رسول خدا وجود داشت. حالا آن‌ها در

دوران جاهلیت زندگی می‌کردند، این‌ها در دوران مدرنیسم زندگی می‌کنند. روش‌ها تفاوت کرده، اما روح قضیه همان هست. قرآن از قول کفار نقل می‌کند که می‌گفتند: «و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه لعلکم تغلبون»؛ به هم توصیه می‌کردند که گوش به سخن قرآن ندهید، ندای پیغمبر را نشنوید و هنگامی که پیغمبر مشغول تلاوت آیات قرآن بود، ولوله می‌کردند، هلهله می‌کردند و یک جنجال و غوغائی به وجود می‌آوردند که صدای قرآن و صوت کلام الهی از حنجره پیغمبر شنیده نشود.» (۱۳۶۶/۲/۴)

ب) تغییر دستگاه محاسباتی جامعه: دشمنان تفکر انقلابی‌گری سعی دارند برای انحراف فکر انقلابی، محاسبات مسئولین ما را دچار تغییر کنند. البته این تلاش صرفاً در مورد مسئولین نیست، بلکه در سطح مردم و به خصوص جوانان نیز راه یافته است. (۱۳۹۴/۷/۱) ایشان معتقد است گاهی جبهه استکبار، تفکر ضدانقلابی و سازش‌کارانه خود را با ظاهری عقلانی ترویج می‌دهد که در حقیقت، نمونه‌ای تقلبی و غیرقابل اتکا است. (۱۳۹۰/۱۱/۱۴) به عنوان مثال، در سطح عموم مردم، یکی از تفکرات غلطی که جناح غیرانقلابی و سازش‌کار ترویج می‌کند، تبلیغ این مطلب است که حل مشکلات داخلی، در گرو سازش با آمریکا می‌باشد و این مسئله را کاملاً عقلانی جلوه می‌دهد. در حوزه جهان اسلام نیز گروهی با بزرگ جلوه دادن استکبار و آمریکا، راهی جز سازش را پیشنهاد نمی‌کنند. (۱۳۸۰/۲/۴) همچنین آیت الله خامنه‌ای معتقد است جریان سازش در بیداری اسلامی، تمام تلاش خود را برای انحراف در تفکر انقلابی انجام داد. ایشان عقیده دارد جریان سازش، پس از ناتوانی از مهار انقلاب‌ها، به فکر تسلط بر افاق فرمان انقلاب‌ها و نفوذ به درون احزاب مؤثر افتاده است که این هدف، از راه‌های مختلفی با ترفندهای گوناگون در حال انجام است. (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

ایشان سازش با آمریکا و عدول از مواضع انقلابی را نه تنها عامل حل مشکلات اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اخلاقی نمی‌داند، بلکه معتقد است مشکلات را بدتر نیز خواهد کرد. دشمنی دشمن در سالیان متمادی، خط بطلان بر چنین تفکری است که به دنبال تغییر دستگاه محاسباتی در جامعه ایران و جهان اسلام است. (۱۳۹۵/۸/۱۲)

ج) استفاده از ابزار رسانه: یکی از ابزارهایی که دیدگاه غیرانقلابی برای شکست تفکر انقلابی‌گری انجام داده و می‌دهد، تلاش برای حذف تفکر انقلابی از طریق رسانه‌ها است. جالب است که این کار در داخل و به بهانه آزادی، توسط برخی حمایت می‌شود. آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به این دیدگاه چنین بیان می‌دارد:

«من نمی‌توانم قبول کنم و بپذیرم که این سیل لجن بیاید و جوان و کودک و قشرهای مختلف

را در خودش غرق کند. از تمام شیوه‌های دشمن شادکن و دشمن‌آموز برای مقابله با تفکر انقلاب استفاده شود؛ اگر کسی هم مخالفت و مقابله کند، فوراً انگ و تهمت بخورد! این که آزادی نشد؛ این که عاقلانه و خردمندانه نیست؛ این که مدیریت کشور نیست. شما مسؤولید به نقش رسانه‌ها توجه کنید.» (۱۳۷۹/۴/۱۹)

د) ایجاد تفرقه: از دیگر حربه‌های دشمن برای حذف تفکر انقلابی، ایجاد تفرقه است. به همین جهت است که آنان، برای ایجاد اختلاف میان ایران اسلامی و سایر مناطق جهان، تمام تلاش خود را می‌کنند. (۱۳۸۶/۵/۲۸)

۲. کارکرد اجتماعی گفتمان انقلابی‌گری

آیت الله خامنه‌ای، در موارد متعددی جریان و تفکرات انقلابی را زمینه‌ساز تمام تحولات مثبت در جمهوری اسلامی ایران می‌داند. ایشان معتقدند «بعد از رحلت امام، ما هر جا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هر جا از انقلابی‌گری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم.» (۱۳۹۵/۳/۱۴) لازم به ذکر است، بیان کامل دستاوردهای جمهوری اسلامی از نگاه ایشان، تحقیق حاضر را از اصل موضوع دور خواهد کرد، اما به طور موردی، می‌توان به دستاوردهای زیر با توجه به بیانات آیت الله خامنه‌ای در حوزه انقلابی‌گری اشاره نمود:

الف) خودباوری: ایشان، بسیاری از کارهای صورت گرفته در سال‌های پس از انقلاب را ناشی از تفکر انقلابی می‌داند. اینکه در طول این سال‌ها، با وجود فشار جنگ و تحریم، جمهوری اسلامی ایران توانسته است خود را به سطوح بالای علمی و فناوری برساند، ناشی از این عقیده است «هر کاری می‌توانید بکنید». (۱۳۹۴/۷/۲۲) این عقیده‌ای که پویایی جامعه ایران را سبب شده است، به نوعی روحیه خودباوری را میان ملت گسترش داده است. آیت الله خامنه‌ای معتقد است علی‌رغم تلاش‌های زیاد برای مانع‌تراشی بر سر راه خودباوری مردم ایران، خودباوری در کشور ایران روز به روز به رشد است. (۱۳۹۴/۶/۱۲)

ب) پیشرفت صنعتی و علمی: آیت الله خامنه‌ای، پیشرفت‌های صنعتی و علمی و گشایش‌های گوناگون در کارها را ناشی از تفکرات انقلابی می‌داند. ایشان اعتقاد دارد: «هرجا کار برجسته‌ای شد، انسان وقتی رفت، دید یک عنصر مؤمن در آنجا مسئولیت تعیین کننده‌ای دارد؛ این را بنده در جاهای مختلف به تجربه مشاهده کرده‌ام. هرجا کارها لنگ است، به خاطر این است که در آن از این بی‌ایمانی‌ها و بی‌ریشه‌یها که منجر به نفع‌طلبی و فساد و تبعیض و رفیق‌بازی و امثال این‌ها می‌شود، وجود دارد. بنابراین در میدان عمل هم ما این فکر را آزموده‌ایم.» (۱۳۸۴/۳/۵)

ج) نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی ایران: ایشان در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این اعتقاد را بیان داشته است که آنچه جمهوری اسلامی ایران را در شرایط کنونی مقتدر گردانیده و سبب نفوذ آن در منطقه و جهان شده است، روحیه و عملکرد انقلابی بوده است. (۱۳۹۴/۶/۲۵)

د) تبلور تفکر انقلابی در مقررات و قوانین: یکی از کارکردهای بسیار ویژه تفکر انقلابی، راه یافتن آن در مقررات و قوانین است. آیت الله خامنه‌ای به سبب تبلور فکر انقلابی در مقررات، آن را معیار و ملاک عمل می‌داند. (۱۳۷۵/۹/۱۵)

۳. بهبود کارکرد اجتماعی تفکر انقلابی

الف) آبادی جامعه ایران: آیت الله خامنه‌ای، مشاهده آبادی جامعه ایران توسط ملت‌های دیگر را یکی از عواملی می‌داند که سبب خواهد شد تفکر انقلابی، مرزهای ایران را درنوردیده و در میان ملت‌های دیگر گسترش یابد. (۱۳۶۸/۴/۱۴) مشاهده آبادی ایران، درسی برای ملت‌ها خواهد بود که در پناه تفکری انقلابی و اسلامی، می‌توان به پیشرفت دست یافت. در واقع، صدور تفکر انقلاب اسلامی، صرفاً از طریق نشان دادن تجربه موفق جمهوری اسلامی خواهد بود. ایشان معتقدند «لازم نیست به ملت‌ها گفته شود که «شما هم بیایید این‌طور عمل کنید.» ملت‌ها، نظام جمهوری اسلامی، انقلاب، موفقیت‌های این ملت و عزت ایران و اسلام را می‌بینند و درس می‌گیرند.» (۱۳۷۴/۳/۱۴)

ب) بهره‌گیری از ابزار هنر و رسانه: آیت الله خامنه‌ای معتقد است صدا و سیما باید به وسیله اعتلا تبدیل گردد و در خدمت تفکر انقلابی قرار گیرد. (۱۳۶۹/۱۲/۱۴) به نظر ایشان، باید نسلی با اعتقادات و دید صحیح و با مذاقی دینی، وارد عرصه رسانه شوند و ساختارهای تقلیدی کنونی را که غربی هستند، متحول گردانند. (۱۳۷۷/۱۲/۴) در مورد محتوای رسانه انقلابی، ایشان باور دارند که «صرف این‌که ما در زمینه انقلاب و نظام، چیزهایی را کلیشه‌یی و شعاری تکرار کنیم، کافی نیست؛ باید نسبت به این شعارها در مردم باور حقیقی به‌وجود بیاید.» (۱۳۸۳/۹/۱۱) در باب اهمیت هنر نیز اعتقاد و باور آیت الله خامنه‌ای این است که «بدون این [هنر]، تفکر انقلاب نمی‌تواند به آن جایی که ممکن است برود.» (۱۳۷۱/۱۱/۴) در رابطه با اهمیت و ضرورت کار هنری، ایشان چنین می‌فرماید:

اگر این فکر انقلابی که با هزار زبان، چه به شکل خطابه، چه به شکل درس، چه به شکل افکار فلسفی، چه به شکل نظرات فقهی، از سال ۱۳۴۱ در بیانات حضرت امام ارائه شده، در قالب هنر عرضه نشود، برای نسل‌های آینده چیز بیگانه‌ای خواهد بود. هنر خصوصیتش این است. (۱۳۷۰/۷/۱۵)

ج) تقریب مذاهب: در نگاه آیت الله خامنه‌ای، حاکمیت اسلام، حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی و به تبع آن، تفکرات انقلابی، با تقریب مذاهب، به خصوص شیعه و سنی امکان‌پذیر است. این تقریب و همدلی، قرار است که در برابر جبهه مقابل صورت پذیرد. (۱۳۶۹/۷/۲۹)

د) دغدغه جهان اسلام در تفکر انقلابی: تفکر انقلابی، هیچ‌گاه صرفاً به تغییر یک رژیم حکومتی نمی‌اندیشیده است، بلکه مسائل تمامی مسلمین را مدنظر داشته است. بنابراین، این دیدگاه، هیچ‌گاه به یک چارچوب جغرافیایی محدود و منحصر نخواهد شد. (۱۳۷۰/۱۲/۱)

ه) تعمیق ایمان: شفافیت و تعمیق ایمان، موجب ارتباط با خدا و تقویت ایمان خواهد شد و این ایمان قوی، از لغزش و تزلزل در تفکر انقلابی خواهد کاست. (۱۳۷۶/۱۱/۱۱)

و) بروز رسانی تفکرات اسلامی و انقلابی: هرچند ایشان به ظرفیت‌هایی همچون آثار شهید مطهری توصیه می‌کنند، اما اعتقاد دارند که نمی‌توان در شهید مطهری متوقف شد. با توجه جدیدتر شدن نیازهای فکری و ورود افکارات وارداتی به داخل کشور که منجر به ایجاد چالش برای انقلاب اسلامی می‌شود، باید از سرمایه‌های عظیم فکری و فرهنگی و تمامی امکانات به خوبی استفاده نمود. (۱۳۸۳/۲/۶)

ز) تداوم افکار انقلابی از طریق نخبگان و جوانان: جبهه متخاصم با انقلاب اسلامی، همواره به دنبال ضربه زدن و نابودی جمهوری اسلامی بوده است و برای این کار، از هیچ نلایی فروگذار نیست. آیت الله خامنه‌ای در مقام تقابل با این تفکر، معتقد است: «باید آن‌چنان پایه‌های انقلاب و فکر انقلابی در اینجا مستحکم باشد که مُردن و زنده بودن این و آن و زید و عمرو، تأثیری در حرکت انقلابی این کشور نگذارد؛ این وظیفه اساسی نخبگان سپاه و همه نخبگان انقلابی این کشور است.» (۱۳۹۴/۶/۲۵) ایشان تحقق آینده‌ای سرشار از علم، تجربه، استعداد، تدین و انقلابی‌گری برای کشور را از طریق هسته‌های نخبگی در سراسر کشور ممکن می‌دانند. (۱۳۹۵/۱۰/۱۳) آیت الله خامنه‌ای به طور خاص، جوانان را مخاطب سخن خود قرار داده و معتقد است مسئله اصلی کشور، ادامه یافتن روحیه و جهت‌گیری انقلابی است. (۱۳۹۵/۸/۲۶) تداوم دیدگاه انقلابی از نظر ایشان، جنبه مصونیت‌سازی و تدافعی دارد و باید به عنوان یک نیاز اساسی به آن توجه شود. (۱۳۹۲/۲/۲۱) ایشان خطر انقلابی‌نماندن را چنین به تصویر می‌کشد که: «اسلام سیلی خواهد خورد». (۱۳۹۵/۳/۱۴)

ح) رسالت حوزه در تبلیغ معارف انقلاب: تبلیغ معارف و تفکر انقلابی، نیازمند دقتی است که آیت الله خامنه‌ای، آن را در حوزه‌های علمیه موجود می‌داند. به عقیده ایشان، «اگر این استعدادها و خلاقیت‌ها و ذوق‌هایی که گاهی مشاهده می‌شود، به شکل صحیحی به سمت یک تبلیغ درست هدایت شود، ما دیگر محتاج چیزی نیستیم.» (۱۳۶۸/۹/۷)

ط) توجه خاص به نیروهای انقلابی: جریانات و تفکرات انقلابی و اسلامی که به عقیده ایشان، اساس همه تحولات مثبت و مبارک در این کشور بوده و مورد هجمه جبهه متخاصم هستند، باید بیشتر از دیگران مورد توجه قرار گیرند و حقیقتاً روی آن‌ها برنامه‌ریزی و کار شود. (۱۳۷۵/۹/۲۰)

ی) انتفاضه و مقاومت: یکی از راه‌هایی که در سطح جهان اسلام، موجب احیا و تقویت انقلابی‌گری و مبارزه با محور سازش خواهد شد، انتفاضه و مقاومت است. ایشان بیان می‌دارد: «می‌توان با مقاومت و مبارزه و البته تحمل خسارت، به پیروزی رسید. درعین حال الگوی شکست نیز پیش روی ماست و آن دل بستن به روش‌های سازشکارانه و کاسه‌گذاری صلح در دست گرفتن است. نتیجه آن نیز تحقیر، به ذلت کشاندن و در نهایت تحمیل یکطرفه خواسته‌های اسرائیل است که این را نیز عیناً مشاهده کردیم.» (۱۳۸۰/۲/۴)

نتیجه

انقلابی‌گری از واژه‌های پرکاربرد در سخنان رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای است که در سال‌های اخیر، مورد استفاده بیشتری قرار گرفته است. این واژه، مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی را در خود نهفته است که نیازمند تحلیل و بررسی است. بنا بر چارچوب تحلیلی گفتمان، می‌توان این موضوع را به عنوان گفتمانی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای در نظر گرفت. با توجه به اینکه در بیانات آیت الله خامنه‌ای، هم موارد تبیین درونی گفتمان انقلابی‌گری و هم کارکردهای اجتماعی آن وجود دارد، دیدگاه سه سطحی نورمن فرکلاف می‌تواند چارچوب خوبی برای تحلیل موضوع مذکور باشد؛ چارچوبی که هم به توصیف درونی انقلابی‌گری می‌پردازد، هم به تفسیر عوامل مؤثر بر تکوین و تطور گفتمان توجه دارد و هم اینکه کارکردهای اجتماعی گفتمان و غیریت‌سازی آن را تبیین می‌نماید.

طبق بیانات آیت الله خامنه‌ای، آنچه در توصیف درونی گفتمان انقلابی‌گری نیازمند دقت است، توجه به دال‌های گفتمانی آرمان‌گرایی، ارزشمندی، آزادی‌خواهی، حساسیت در برابر دشمن و تقوای دینی - سیاسی می‌باشد که ذیل دال مرکزی ارزشمندی، به تثبیت معنای انقلابی‌گری می‌پردازند. در صورت‌بندی مذکور و بهبود ارتباط دال‌های معنایی با یکدیگر و با توجه به بیانات معظم له، عواملی مؤثر شناخته شد که گاه این صورت‌بندی تقویت کرده و یا اینکه توجه به آن، می‌تواند موجب استحکام معنای مذکور باشد. این عوامل عبارتند از: پیشینه ارزشمند انقلابی‌گری در تاریخ، نقش اثرگذار مبلغان این تفکر، واژه‌سازی مفهوم انقلاب و جریان یافتن نهادی آن در حوزه اجتماع.

تبیین انقلابی‌گری نیز دوسطح اساسی را پوشش خواهد داد: سطح نخست، میدان معنایی گفتمان و میزان غیریت‌سازی آن است و سطح دوم، کارکرد اجتماعی گفتمان انقلابی‌گری. البته با توجه به اینکه برخی از بیانات آیت الله خامنه‌ای جنبه تجویزی دارد و شرح ماقع نیست، باید به این نکته هم توجه داشت. در حوزه غیریت‌سازی گفتمان انقلابی‌گری با سیاست‌های جبهه متخاصم فهم می‌شود. این جبهه با سانسور شدید تفکر انقلابی، تغییر دستگاه محاسباتی جامعه ایران، استفاده از ابزار رسانه و ایجاد تفرقه، سعی در امحا و ایجاد انحراف در تفکر انقلابی‌گری دارد. در حوزه کارکردهای اجتماعی نیز می‌توان به خودباوری، پیشرفت صنعتی و علمی، نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی ایران و تبلور تفکر انقلابی در مقررات و قوانین اشاره کرد. همچنین، تجویزات ایشان برای بهبود کارکرد اجتماعی تفکر انقلابی عبارتند از: آبادی جامعه ایران، بهره‌گیری از ابزار هنر و رسانه، تقریب مذاهب، دغدغه جهان اسلام در تفکر انقلابی، تعمیق ایمان، بروز رسانی تفکرات اسلامی و انقلابی، تداوم افکار انقلابی از طریق نخبگان، رسالت حوزه در تبلیغ معارف انقلاب، توجه خاص به نیروهای انقلابی.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. بهروزلک، غلامرضا، (۱۳۸۵)، «جهانی شدن و سرانجام نزاع گفتمان‌ها»، *فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)*، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۳۶، صص ۳۷-۶۲.
۳. جمالزاده، ناصر و سیدمحمدصادق کاظمی، (۱۳۹۴)، «علت کاوی انشعاب جریان‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی*، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۱۳-۱۴۳.
۴. حقیقت، سیدصادق، (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، (ویراست سوم)، قم، مرکز انتشارات دانشگاه مفید.
۵. خواجه سروی، غلامرضا و مریم رحمنی، (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۶، صص ۱۲۷-۱۴۸.
۶. کسرائی، محمدسالار و علی پوزش شیرازی، (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه سیاست دانشگاه تهران*، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۱۱، صص ۳۳۹-۳۶۰.

۷. محسنی، محمدجواد، (۱۳۹۱)، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»،
فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۱، صص ۶۳-۸۶.
۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۶)، *ده گفتار*، تهران و قم، صدرا.
۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، *آزادی معنوی*، تهران و قم، صدرا.
۱۰. معینی علمداری، جهانگیر، (۱۳۸۰)، «منطق پسایند بحران مدرنیته و مشارکت سیاسی»،
فصلنامه مفید دانشگاه مفید قم، شماره ۲۵، صص ۷۹-۹۸.
۱۱. یورگنسن، ماریان و لوییز فیلیس، (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

(ب) منابع لاتین

12. Fairclough, Norman (1995), *Critical Discourse Analysis*, London: Longman
13. Saussure, Ferdinand de (1986), *Course in General Linguistics*, trans: Roy Harris, U.S.: Open Court Classics

(ج) بیانات مقام معظم رهبری

۱۴. خطبه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۴.
۱۵. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۴.
۱۶. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مجمع نمایندگان طلاب در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۷.
۱۷. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد در تاریخ ۱۳۶۹/۱/۴.
۱۸. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم در روز پانزدهم ماه مبارک رمضان در تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۲.
۱۹. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای دبیرخانه مجمع جهانی اهل بیت (ع) در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۲۹.
۲۰. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما در تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۱۴.
۲۱. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۲۳.
۲۲. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از روحانیون در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۲۰.
۲۳. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای کنگره شعر حوزه در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۵.

۲۴. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از روحانیون در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۱.
۲۵. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در تاریخ ۱۳۷۱/۱۱/۴.
۲۶. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۲۹.
۲۷. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۱۴.
۲۸. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای دانشجویی در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۱۵.
۲۹. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۰.
۳۰. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۱.
۳۱. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۷۷/۹/۲۵.
۳۲. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۴.
۳۳. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۹.
۳۴. بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۴.
۳۵. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳۰.
۳۶. پیام آیت‌الله خامنه‌ای به همایش جهانی حکمت مطهر در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۶.
۳۷. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۱۱.
۳۸. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۵.
۳۹. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع) در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۲۸.

۴۰. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۲.
۴۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
۴۲. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۱.
۴۳. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در سالروز رحلت حضرت امام خمینی^(ع) در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۴.
۴۴. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۴۵. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۲.
۴۶. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۵.
۴۷. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۱.
۴۸. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۲۲.
۴۹. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضیای حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.
۵۰. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۳.
۵۱. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۴.
۵۲. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۲.
۵۳. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مردم اصفهان در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۶.
۵۴. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳.

